

مجموعه ادبیات جهان ۱

دکتر ذاکر حسین

# داستان های اخلاقی

(۱۲ داستان، ۱۲ مضمون)

بر ترجمه

سیده مبینا شاهی نگرودی

با پیشگفتاری در معرفی دکتر ذاکر حسین از

دکتر ابوالقاسم رادفر

نشر  
**پیام**

سرشناسه: حسین، ذاکر، ۱۸۹۷ - ۱۹۶۹ م.

Husain, Zakir

عنوان و نام پدیدآور: داستان‌های اخلاقی (۱۲ داستان، ۱۲ مضمون): ترجمه سیده‌مبینا شاهری

لنگرودی؛ با پیشگفتاری از ابوالقاسم رادفر.

مشخصات نشر: تهران: پیام ری، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۷۴ ص.

فروست: مجموعه ادبیات جهان؛ ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۹-۴-۶

وایت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Fables and stories

موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های هندو

Hindu legends موضوع

شناسه اف‌ن‌د: شاه لنگرودی، سیده‌مبینا، ۱۳۷۱ - مترجم

شناسه اف‌ن‌د: رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۲۹ - مقدمه‌نویس

رده بندی کنفر: ۳۹۸/۲۰۹/۱۵ - د ۲۰۱۵/۱/۲۷۴۱/۱ PK

رده بندی دیویی: ۳۹۸/۲۰۹/۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۶۱۲۰۰

نام کتاب: داستان‌های اخلاقی

نویسنده: دکتر ذاکر حسین

مترجم: سیده‌مبینا شاهری لنگرودی

انتشارات: پیام ری

طراح و صفحه‌آرا: مصطفی مرادیان، زهرا میرزایی

قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ ریال

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۳۹-۴-۶

کلیه حقوق کتاب به نشر پیام ری تعلق دارد.

نشانی: میدان انقلاب اسلامی، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، ساختمان

۲۰۸، پلاک ۷۶، واحد ۴

تلفن: ۶۶۴۸۴۱۲۳

وبسایت: [www.payamrey.ir](http://www.payamrey.ir)

ایمیل: [info@payamrey.ir](mailto:info@payamrey.ir)

# فهرست مطالب

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۵  | پیشگفتار.....                               |
| ۹  | مقدمه.....                                  |
| ۱۱ | یک (آزادی): بز ابو خان.....                 |
| ۱۷ | دو (عشق): عشق راستین.....                   |
| ۲۱ | سه (دعا): ماسیتا.....                       |
| ۲۷ | چهار (نیکی به ممنوع): آخرین اقدام.....      |
| ۳۱ | پنج (مقام مادر): حمید و مادرش.....          |
| ۳۹ | شش (خودخواهی): جوجه عجیب.....               |
| ۴۳ | هفت (وفاداری): اسب کور.....                 |
| ۴۷ | هشت (سروشت): حساب.....                      |
| ۵۵ | نه (حرص): بافته و مغازه دار.....            |
| ۵۹ | ده (نادانی): مین و سکن و کوتوله.....        |
| ۶۳ | یازده (وفای به عهد): نه دیده.....           |
| ۶۹ | دوازده (زیرکی): مرغی که به اسیر می رفت..... |

## کوتاه‌سخنی در معرفی دکتر ذاکر حسین

افزون بر نهر و مولانا ابوالکلام آزاد، شخصیت دیگری که در گسترش رواج فارسی و تحکیم و تعمیق روابط با ایران، سهم درخور توجهی داشت، نخستین رئیس بنحور مسلمان هند دکتر ذاکر حسین است.

دکتر ذاکر حسین ۱۸۹۷ میلادی در شهر حیدرآباد دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به‌پایان رساند؛ و بعد از تحصیلات دبیرستانی، در سال ۱۹۱۸ میلادی از دانشگاه اسلامی علیگره لیسانس گرفت و سپس در رشته اقتصاد به دریافت درجه کارشناسی ارشد نایل آمد؛ و با رتبه استادیاری در آنجا مشغول به تدریس شد.

در این سال‌ها، حوالی ۱۹۲۰-۱۹۲۱، که فشار و ظلم انگلیسی‌ها بر هندیان شدت گرفته بود، دکتر ذاکر حسین، برطی یک سخنرانی در دانشگاه علیگره — که در آن، گروهی از آزادیخواهان هند از جمله مهاتما گاندی، حکیم اجمل‌خان، مولانا ابوالکلام آزاد، دکتر مختار احمد انصاری و سایر برادران حضور داشتند — اعلام کرد که چون دانشجویان و کارکنان دانشگاه علیگره با نظر ایشان و آزادیخواهان هند در ازبین‌بردن نفوذ و سلطه بیگانگی بر این دانشگاه و استقرار فرهنگ قومی و ملی در آنجا همراه و همراهی نیستند، از استادیاری خود در این دانشگاه کناره می‌گیرد.

پس از آن، بسیاری از دانشجویان و استادان طرفدار او شدند و از دانشگاه علیگره — که با بودجه دولت انگلیس اداره می‌شد — بیرون آمدند. همزمان، زعمای دانشمندان، در نشستی، پیشنهاد تأسیس دانشگاهی ملی با عنوان «جامعه ملیة اسلامیة» را تصویب کردند؛ و این دانشگاه در اجلاسیه خاصی در همان سال تأسیس یافت و دکتر ذاکر حسین با سمت استادیاری در آن دانشگاه به فعالیت

مشغول شد.

دو سال از این جریان گذشت که دکتر ذاکر حسین برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و با نوشتن رساله دکتری در رشته علوم اقتصادی دکترا گرفت. سال ۱۹۲۶ که به هند بازگشت، جامعه ملیه اسلامیة از علیگره به دهلی منتقل شده بود. در همین سال، به ریاست جامعه ملیه اسلامیة برگزیده شد؛ و از ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۸ ریاست آنجا را برعهده داشت.

دکتر ذاکر حسین، در دوره ریاست خود بر جامعه اسلامیة، با رفتار خود، انگه‌ی برای دانشجویان و کارمندان بود و مشکلات را با فداکاری و رفتار متین خود از میان برداشت. نمونه‌ها در این باره زیاد است که به اندکی از آنها اشاره می‌شود:

زمانی، جامعه اسلامیة دچار مشکلات مالی شده بود آن چنان که از عهده پرداخت حقوق استادان و کارمندان بر نمی‌آمدند. دکتر ذاکر حسین برای پرداخت حقوق آنان، به هر راه و وسیله‌ای متوسل شد، توفیق نیافت؛ سرانجام، تمامی زیورآلات همسرش را برگزیده تا توانست حقوق استادان و کارمندان را بپردازد.

گاه چنان درگیر کارهای «جامعه» می‌شد که از احوال اعضای خانواده خود بی‌اطلاع می‌ماند. از جمله، موقعی که دخترش، مارشد، درمانش به درستی انجام نگرفت و ازدنیای رفت، آن زمان، دکتر ذاکر حسین، یکی از کنفرانس‌های «جامعه» حضور داشت؛ که بعد از اتمام کنفرانس، ایشان را از دست دخترشان باخبر کردند.

زمانی دیگر، کارمندان آشپزخانه نزد او شکایت کردند که بچه‌های خوابگاه هنگام غذا خوردن، کناره‌های نان را دور می‌ریزند. دکتر ذاکر حسین برای بازرسی به تالار غذاخوری رفتند و بعد از صرف غذای دانشجویان، تمامی کناره‌های نان آنان را جمع کردند و در حضور آنان خوردند.

وقتی دیگر، در بازدید از کلاس‌های «جامعه»، مشاهده کردند درها و پنجره‌ها بسیار کثیف شده و تکه‌های کاغذ بر روی زمین افتاده است. ایشان با دست‌های خود درها و پنجره‌ها را تمیز کردند، تکه‌های کاغذ را یکی یکی از روی زمین برداشتند و در جیب خود گذاشتند؛ که این عمل، کارمندان آنجا را بسیار تحت تأثیر قرار داد.

رفتار دکتر ذاکر حسین با فرادست و فرودست یکسان بود؛ و خوبی را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کرد:

زمانی که جامعه ملیّه اسلامیّه در مشکلات مالی بسیار گرفتار بود و هیچ راهی برای کمک به آن وجود نداشت، از مغازه‌داری به‌نام «صبا» خواهش کرد مواد غذایی «جامعه» را تأمین کند. صبا هر روز از مغازه‌اش مواد غذایی می‌فرستاد، و پولی تقاضا نمی‌کرد و دکتر ذاکر حسین حساب مغازه را به‌تدریج می‌پرداخت؛ و به این ترتیب، تا مدت‌ها مواد مصرفی آشپزخانه تهیه می‌شد. بعدها که دکتر ذاکر حسین رئیس‌جمهور هند شد، «صبا» را به کاخ ریاست جمهوری دعوت کرد و خود برای استقبال از او بیرون رفت؛ و وقتی حکام و عمّال کاخ نوشتند ایشان را از این کار منع کنند و گفتند چنین استقبالی از فردی عامی خلاف مقررات آداب و تشریفات ریاست جمهوری است، در پاسخ گفتند: من با کرم و مهربانی آن عامی امروز بر این کرسی تکیه زده‌ام.

دکتر ذاکر حسین، در سال ۱۹۶۲ معاون رئیس‌جمهور هند شد و در نتیجهٔ حسن کار و فعالیتش در ۱۹۶۴ به ریاست جمهوری این کشور برگزیده شد و تا آخر عمر (۱۹۶۹) در این مقام باقی ماند.

دکتر ذاکر حسین علاقهٔ ویژه‌ای به زبان فارسی داشت، به این زبان تکلم می‌کرد، و خط فارسی را به نیکویی می‌نوشت. به دستور او، قطعات متعددی از اشعار شعرای مشهور پارسی از جمله مولوی، حافظ، نظامی، و فردوسی به خط خوش تحریر و بر دیوارهای دفتر کارش در کاخ ریاست جمهوری نصب شده بود. علاقهٔ او به زبان و ادب فارسی به‌حدی بود که در بیشتر مسافرت‌ها، دیوان‌های شعر خواجه شیراز و محمدنورالدین رازی و رشیزی را همراه خود داشت و مطالعه می‌کرد.

داستان‌هایی که دکتر ذاکر حسین می‌نوشت، و از جمله داستان‌های مجموعهٔ حاضر، بازنمونی از زندگی و رفتار و اخلاق ایشان است؛ باشد که در زندگی و اخلاق کودکان و نوجوانان باشد.<sup>۱</sup>

۱. با نگاهی به دو مأخذ زیر:  
خان‌محمّد عامر، «زبان و ادب فارسی در شبه‌قارهٔ هند»، ایران‌شناخت (نامهٔ انجمن ایران‌شناسان کشورهای مشترک‌المنافع و قفقاز)، ش شانزدهم و مقدمه، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۴-۶۵؛  
نورالاسلام صدیقی، «دکتر ذاکر حسین، شخصیت چندبعدی»، فصلنامهٔ دانش پاکستان، ش ۵۹-۵۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۸۵-۸۸.

# مقدمه

دکتر ذاکر حسین، شخصیتی چندبُعدی داشت. از جهت تحصیلات اقتصاددان، از نظر حرفه متخصص تعلیم و تربیت، از حیث ذوق و طبع شاعر و هنرمند، و بزرگ‌ترین عشق، عشق به جوانان و بچه‌ها بود که بخش اعظم زندگی‌اش را وقف آنها کرد.

تجربیات ارزشمندش و پرورش، حاصل این عشق بود؛ و آنچه از قلمش بر صفحات کاغذ نشست نیز انعکاس همین عشق است.

در اوایل زندگی حرفه‌ای خود، در مقام «شیخ‌الجامعه»، به سبکی زنده حکایت‌ها و داستان‌هایی نوشت که با الهام بسیار زیاد مردم جامعه روبه‌رو شد و پس از چاپ و انتشار در قالب کتاب‌ها نیز بسیار زیادی پیدا کرد.

علاوه بر این، نگارش این داستان‌ها به سبکی ساده، همراه با ارائه تصویری ماهرانه از شخصیت‌های داستانی، گفت‌وگوهای گیرا و جاندار، و اظهارنظرهای مختصر و مفید نویسنده در لابه‌لای آنها، از ویژگی‌هایی هستند که علاقه‌خواننده را تا انتها برمی‌انگیزانند.

ذاکر حسین اساساً معلم اخلاق است اما حقیقت آنست که او را به عنوان یک هنرمند چنان در پرده نگاه می‌دارد که به جای آنکه این حقیقت برای افکار حساس فاش شود، با خون آنها عجین می‌شود.

همه این داستان‌ها هدفمند نوشته شده‌اند و در آنها تصویری از حسن و خیر ارائه می‌شود.

دکتر ذاکر حسین، نویسنده‌ای صاحب‌سبک و مشهور به زبان اردو است. داستان‌ها و حکایاتی که نوشته، گواهی بر این ادعا است. به کارگیری ویژه واژه‌ها، ساخت جملاتی پر از احساسات، و هنجارگریزی‌های سبکی با عنصر شگفتی در

سراسر داستان‌ها، همه و همه، نویسنده‌ای مطرح و برجسته از او در نثر اردو ساخته‌اند.

ترجمه توانایی‌های نویسنده صاحب‌سبکی چون ذاکر حسین بسیار دشوار و پیچیده است. اما جای خرسندی بسیار است که آقای رضی موهان با تسلط بی‌نظیر خود به هر دو زبان (اردو و انگلیسی)، این داستان‌ها را با موفقیت زیاد به انگلیسی برگردانده است.

به نظر می‌رسد روند او در هستی‌دادن به این داستان‌ها، بیشتر بازآفرینش آنها باشد. نا ترجمه آنها؛ و این همان ویژگی است که در برگردان این داستان‌ها به یک زبان خارجی، با اصطلاحات، ساختار، و فضای زبانی کاملاً متفاوت، به آن نیاز است.

امید است این ترجمه، به خانه‌های مردم راه پیدا کند، در فکر و ذهن جوانان و فرزندان این سرزمین بنشیند، و چراغ راه آنان در زندگی باشد.



از استاد دکتر ابوالقاسم رادفر (که متن انگلیسی اثر را در اختیارم گذاشتند، متن ترجمه را بازبینی کردند و ضمن راهنمایی‌ها، سودمند، بعضی از اسامی را به شکل تلفظی اصلی آنها برگرداندند)، آقای دکتر سید سعید فیروزآبادی (که امکان چاپ کتاب را فراهم آوردند)، و از اسامی کسانی که به‌نحوی در آماده‌سازی و انتشار ترجمه این اثر یاری رساندند، سپاسگزارم و تهفیف روزافزون آنها را از آفریدگار جان و خرد خواهانم.

تهران، ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵  
سیده مبینا شاهرز محروودی